



مدد حقوق



شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۳۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

- امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
همایون مافی، مرتضی پورعزیز
بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
لژوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
مهدی رجائیان، شادی چگینی
ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
امیرحسین ابوالحسینی، ستار فخرایی، زینب قادری
واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
حجت اله دهقانی
سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
علیرضا باقری حسن آبادی
مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
ایوب رحیمی
مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
احمدرضا سلطانیان
مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
چیران ابراهیمی
سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
محبوبه طالبی رستمی
تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
جواد چراغی
تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
محمد احمدی
مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
جواد دشتیان
قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
احمد پدیدار، یاسر صیادپور
حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
علیرضا درانی
شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکدی‌گری در زاهدان
محمدکمال دادرسی
مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
علی فراحی
تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
رامدهر رحمانی گل افشان
مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری



Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law

واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران

Sayed Ahmad Peyrovnaziri

Master of Criminal Law and Criminology, Law Department, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran (Corresponding Author)

سیداحمد پیروندزیری

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)
seyedahmad.peyrovnaziri@iau.ir

Amirreza Mahmoudi

Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

امیررضا محمودی

استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
amirreza.mahmodi@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-8997-5071>

Abstract

Juvenile and adolescent delinquency is one of the most important social harms in today's societies, which not only threatens the psychological and social security of society, but is also a reflection of structural disorders in educational, family and social systems. Given the importance of childhood and adolescence in the formation of personality and future behaviors of individuals, identifying the causes of delinquency in this period of life is a fundamental step towards preventing recidivism and creating a healthy society. The main goal of this research is to comprehensively analyze individual, family and social factors affecting the tendency of children and adolescents to delinquency and to provide solutions to prevent it. This study was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources. The findings of the study indicate that delinquency in children and adolescents is often associated with psychological factors such as aggression, frustration, self-esteem, and emotional voids, and in many cases, dysfunctional families, unhealthy social environments, and lack of effective social support play a key role in committing crime. The results show that focusing on reforming the family institution, teaching life skills to adolescents, and implementing preventive policies at the education level can play an important role in reducing delinquency. The importance of this issue, given the young population of Iran and the possibility of education and reform at an early age, requires the need for additional attention from responsible institutions.

Keywords: Delinquency, Children, Adolescents, Family, Crime Prevention.

چکیده

بزهکاری اطفال و نوجوانان از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جوامع امروزی است که نه تنها امنیت روانی و اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند، بلکه بازتابی از اختلالات ساختاری در نظام‌های تربیتی، خانوادگی و اجتماعی نیز به شمار می‌آید. با توجه به اهمیت مرحله کودکی و نوجوانی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای آتی افراد، شناسایی علل بزهکاری در این دوره از زندگی، گامی اساسی در مسیر پیشگیری از تکرار جرم و ایجاد جامعه‌ای سالم محسوب می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل جامع عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن است. این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بزهکاری در کودکان و نوجوانان غالباً با زمینه‌های روانی همچون پرخاشگری، ناکامی، خودمداری و خلالات عاطفی همراه بوده و در بسیاری از موارد، خانواده‌های ناکارآمد، محیط‌های اجتماعی ناسالم و نبود حمایت‌های مؤثر اجتماعی نقش کلیدی در ارتکاب جرم ایفاء می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تمرکز بر اصلاح نهاد خانواده، آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوانان و به‌کارگیری سیاست‌های پیشگیرانه در سطح آموزش و پرورش می‌توانند نقش مهمی در کاهش بزهکاری ایفاء کنند. اهمیت این موضوع با توجه به جوان بودن جمعیت ایران و امکان تربیت و اصلاح در سنین پایین، ضرورت توجه مضاعف نهادهای مسئول را طلب می‌کند.

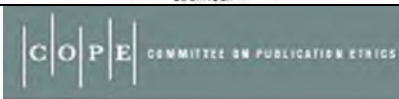
واژگان کلیدی: بزهکاری، اطفال، نوجوانان، خانواده، پیشگیری از جرم.

ارجاع:

پیروندزیری، سید احمد؛ محمودی، امیررضا؛ (۱۴۰۴)، واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

بزهکاری کودکان و نوجوانان یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی در جوامع معاصر به شمار می‌رود. این پدیده نه تنها پیامدهای منفی برای فرد بزهکار و قربانیان جرائم ایجاد می‌کند، بلکه سلامت عمومی و نظم اجتماعی را نیز تهدید می‌سازد. با توجه به اینکه دوران کودکی و نوجوانی مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده در رشد شخصیتی و اجتماعی افراد است، انحراف از مسیر رشد طبیعی در این دوره می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر زندگی فرد و جامعه بر جای گذارد. از همین رو، شناخت عوامل مؤثر بر بزهکاری در این سنین، شناسایی ریشه‌های رفتار مجرمانه و طراحی راهکارهای پیشگیرانه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای سیاست‌گذاران، خانواده‌ها و نظام‌های تربیتی است.

مطالعات متعدد در حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق کیفری نشان می‌دهد که رفتار بزهکارانه در اطفال و نوجوانان اغلب نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیطی است. اختلالات روانی، کمبود مهارت‌های ارتباطی، تجربه محرومیت‌های عاطفی، خشونت در خانواده، فقر اقتصادی، بی‌توجهی نهادهای حمایتی، ضعف در آموزش رسمی و غیررسمی و همچنین تأثیرپذیری از گروه‌های انحرافی همگی در افزایش احتمال ارتکاب جرم در میان این گروه سنی نقش دارند.

در واقع، بزهکاری کودکان و نوجوانان اغلب حاصل فقدان فرصت‌های سالم برای رشد و بروز

استعدادهای آنان است. از سوی دیگر، بزهکاری در این دوره سنی به دلایل خاصی که در ساختار جمعیتی و فرهنگی جوامعی همچون ایران وجود دارد، اهمیت دوچندانی می‌یابد. نخست آن‌که نوجوانان در آستانه ورود به زندگی اجتماعی و حرفه‌ای قرار دارند و قابلیت اصلاح‌پذیری بالایی در رفتار آن‌ها مشاهده می‌شود؛ دوم آن‌که ساختار جوان جمعیت ایران اقتضاء می‌کند که برای حفظ سرمایه انسانی آینده، از هم‌اکنون برنامه‌ریزی‌های دقیق برای پیشگیری از انحراف نوجوانان در دستور کار قرار گیرد. بی‌تردید، عدم توجه به این مسئله می‌تواند پیامدهایی نظیر افزایش نرخ بزهکاری، کاهش امنیت اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی را به همراه داشته باشد.

از منظر حقوقی، بزهکاری نوجوانان نیازمند توجه خاص قانونگذاران و سیاست‌گذاران کیفری است؛ چرا که این افراد به دلیل شرایط سنی و روانی خاص خود، نمی‌توانند همانند بزرگسالان در برابر قانون مسئول شناخته شوند. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ گام مهمی در راستای تفکیک این گروه سنی و درک حساسیت وضعیت آن‌ها برداشته است، اما هنوز چالش‌های اجرایی فراوانی در زمینه پیشگیری و اصلاح رفتار بزهکارانه وجود دارد.

در این پژوهش تلاش شده است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و منابع معتبر، ضمن بررسی دقیق مفاهیم مرتبط با بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین علل فردی، خانوادگی و اجتماعی این پدیده‌شناسایی و تحلیل گردد. همچنین با ارائه راهکارهای کاربردی در زمینه پیشگیری از بزهکاری در این گروه سنی، امکان اصلاح و تربیت مؤثر برای این افراد فراهم آید تا جامعه از آثار و تبعات منفی این آسیب در امان بماند.

۱- تحلیل جامع عوامل خانوادگی و روانی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در ایران:

رهیافتی نوین مبتنی بر داده‌های جرم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی

در دهه‌های اخیر، بزهکاری نوجوانان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جرم‌شناسان و سیاست‌گذاران در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است، زیرا مطالعات جنایی نشان داده است که بسیاری از مجرمان بزرگسال، گرایش به ارتکاب جرم را در دوران کودکی آغاز کرده‌اند (Siegel & Welsh, 2021, 19). این موضوع، ضرورت مداخلات زودهنگام را دوچندان می‌سازد. در کشورهای مختلف، معیارهای گوناگونی

برای تشخیص بزهکاری نوجوانان وجود دارد؛ برای نمونه در قاهره جمع کردن تہ‌سیگار از خیابان ممکن است جرم تلقی شود، یا در برخی کشورها ولگردی یک جرم سنگین محسوب می‌گردد. در ایران، کودک یا نوجوان بزهکار به فردی اطلاق می‌شود که مرتکب رفتاری گردد که شرع یا قانون آن را ممنوع کرده، یا عملی را ترک کند که انجام آن از نظر قانونی الزامی است. در نظام حقوقی اسلامی، چنین فردی مجرم محسوب می‌شود و تحت تأدیب و تعزیر قرار می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۴۰۲، ۹۱).

از مهم‌ترین عواملی که منجر به بزهکاری در میان اطفال و نوجوانان می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اول- کودک‌آزاری: خانواده در بروز پدیده کودک‌آزاری نقش اساسی دارد. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، کودک‌آزاری شامل هر گونه آسیب یا تهدید علیه سلامت جسمی، روانی یا سعادت کودک توسط والدین یا مسئولین نگهداری از او می‌شود. غفلت نسبت به نیازهای اولیه کودکان، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ناسازگاری و بزهکاری در آینده آنان است.

دوم- طلاق و جدایی والدین: این عامل می‌تواند آثار روانی عمیقی بر کودک داشته باشد، به‌ویژه زمانی که کودک به ابزاری برای انتقام‌جویی میان والدین تبدیل شود. این مسئله ممکن است باعث بروز عصبانیت، پرخاشگری، افسردگی و تمرد در نوجوان شود (شامبیاتی، ۱۴۰۲، ۱۸۹).

سوم- اعتیاد در خانواده: اعتیاد یکی از مخرب‌ترین عوامل تهدیدکننده سلامت روانی و اجتماعی کودک محسوب می‌شود. والدین معتاد معمولاً نسبت به مسئولیت‌های خانوادگی خود بی‌توجه‌اند و این بی‌مسئولیتی منجر به الگوبرداری منفی در کودکان می‌شود (شامبیاتی، ۱۴۰۲، ۹۱).

چهارم- از دست دادن اعضای خانواده: مرگ یا غیبت طولانی‌مدت والدین یا مراقبان اصلی، تأثیرات روانی شدیدی بر کودک وارد می‌کند. این تأثیرات به‌ویژه در خردسالی که کودکان وابستگی عاطفی شدیدی به اشیاء و افراد دارند، نمود بیشتری دارد. از دست دادن یک عضو خانواده می‌تواند به ایجاد آسیب‌های روانی بلندمدت منجر شود (Bowlby, 1980, 127).

۲- سیاست‌های پیشگیرانه برای مقابله با بزهکاری نوجوانان در ایران

پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای سیاست‌جنایی نوین، باید با تمرکز بر عوامل زمینه‌ساز خانوادگی، روانی و اجتماعی صورت گیرد. سیاست‌پیشگیرانه موفق، نه‌تنها به کنترل

جرم در آینده کمک می کند، بلکه از بازتولید الگوهای انحرافی در نسل های بعدی نیز جلوگیری می نماید (Andrews & Bonta, 2016, 202). در این راستا، سیاست های پیشگیرانه می توانند در چهار سطح اصلی طراحی و اجرا شوند:

اول- پیشگیری اولیه: تقویت بنیان خانواده و آموزش های مهارتی. پیشگیری اولیه به معنای مقابله با عوامل خطر پیش از بروز رفتار بزهکارانه است. در این سطح، تمرکز بر آموزش والدین در زمینه مهارت های فرزندپروری، تقویت پیوندهای عاطفی خانوادگی و ارتقای سلامت روانی کودکان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خانواده هایی که از مهارت های ارتباطی، حل تعارض و تربیت فرزند آگاه باشند، محیطی سالم تر برای رشد روانی کودک فراهم می آورند (شامبیاتی، ۱۴۰۲، ۹۱) و (Farrington, 2007, 134). در این راستا، راه اندازی دوره های آموزش والدگری مثبت در مراکز بهزیستی و مدارس، آموزش مهارت های زندگی به کودکان و نوجوانان، حمایت از مادران در معرض آسیب و تخصیص یارانه های حمایتی برای خانواده های کم درآمد می تواند در کاهش زمینه های بزهکاری مؤثر باشد (UNODC, 2013, 16).

دوم- پیشگیری ثانویه: مداخلات هدفمند نسبت به گروه های در معرض خطر. در پیشگیری ثانویه، هدف شناسایی کودکان و نوجوانانی است که در معرض عوامل خطر جدی مانند خشونت خانگی، طلاق، فقر، اعتیاد والدین یا فقدان مراقب اصلی قرار دارند. شناسایی زودهنگام این گروه و ارائه خدمات حمایتی، روان درمانی، مشاوره و حمایت های اجتماعی تخصصی می تواند احتمال ارتکاب جرم را در آنان به طور چشمگیری کاهش دهد (Howell, 2009, 74).

سوم- پیشگیری ثالثیه: جلوگیری از تکرار بزهکاری و بازاجتماعی سازی. نوجوانانی که سابقه بزهکاری دارند، در صورت عدم مداخله مؤثر، به سرعت در معرض تثبیت رفتارهای مجرمانه قرار می گیرند. پیشگیری ثالثیه با هدف بازاجتماعی سازی و کاهش نرخ بازگشت به جرم، بر برنامه هایی چون مشاوره فردی، روان درمانی، آموزش فنی و حرفه ای، اشتغال زایی، پیوند مجدد با خانواده و جامعه و حمایت پس از آزادی تأکید دارد (Mears & Travis, 2004, 15). یکی از چالش های پیش رو در ایران، کمبود حمایت های پس از آزادی نوجوانان بزهکار است. تجربه بین المللی نشان داده است که استفاده از مدل های

حمایتی چندنهادی مانند خدمات پوششی^۱ و برنامه‌های بازگشت به زندگی مبتنی بر جامعه^۲ می‌تواند از تکرار جرم به‌طور قابل ملاحظه‌ای جلوگیری کند (Lipsey, 2009, 149).

چهارم- اصلاح ساختارهای قانونی و حمایت از عدالت ترمیمی. در سطح کلان، اصلاح سیاست‌های کیفری مرتبط با اطفال و نوجوانان ضرورت دارد. اگر چه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در برخی مواد به تفکیک مراحل رشد کیفری توجه کرده است، اما هنوز ساختارهای حمایتی از کودک در نظام قضایی ایران ضعیف عمل می‌کنند. حمایت از نهادهایی مانند دادگاه اطفال، میانجیگری، عدالت ترمیمی و بازپروری اجتماعی باید گسترش یابد. همچنین، استفاده از رویه‌های جایگزین زندان مانند تعلیق مجازات، آزادی مشروط، کار عام‌المنفعه و مراقبت تحت نظارت قضایی می‌تواند با در نظر گرفتن ملاحظات سن و شخصیت بزهکار نوجوان، تأثیر بازدارنده و تربیتی بیشتری داشته باشد (UNICEF, 2019, 32).

سیاست پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، باید تلفیقی از اقدامات روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی باشد. رویکرد یک‌جانبه و صرفاً کیفری، نه تنها بازدارندگی مؤثری ندارد، بلکه گاه منجر به نهادینه شدن جرم در نوجوان می‌شود. آن چه اهمیت دارد، تمرکز بر مداخلات چندسطحی و بین‌بخشی است که با شناخت دقیق عوامل خطر، به مهار و درمان ساختاری بزهکاری در نوجوانان بپردازد (Siegel & Welsh, 2021, 342).

۳- تحلیل انتقادی تأثیر اختلال در کارکرد خانواده بر شکل‌گیری بزهکاری نوجوانان:

رهیافتی ترکیبی از روان‌شناسی اجتماعی و جرم‌شناسی تطبیقی

بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است که تبیین آن مستلزم بررسی درهم‌تنیده عوامل زیستی، روانی، خانوادگی و ساختاری است. در میان این عوامل، اختلال در کارکرد نهاد خانواده به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی در ادبیات جرم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. خانواده، نخستین محیط اجتماعی کودک است و بنیان شکل‌گیری شخصیت، رفتار و هویت اجتماعی وی در همین بستر نهاد می‌شود. به‌بیان دیگر، هر گونه ناهنجاری یا آسیب در درون خانواده، می‌تواند بذر انحراف را در ذهن نوجوان بکار و مسیر او را به سوی رفتارهای پرخطر و بزهکارانه هدایت کند (Siegel & Welsh, 2021, 45).

1- wraparound services

2- community-based reentry programs

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها، کنترل درونی و رشد همدلی در نوجوان به شدت تحت تأثیر کیفیت تعاملات خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری، انسجام والدین و مدل‌های رفتاری موجود در خانواده است (Baumrind, 1991, 347). خانواده‌هایی که در آن‌ها شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، آمرانه یا طردکننده حاکم است، زمینه‌ساز رشد ناسازگاری‌های رفتاری و کاهش تاب‌آوری روانی در نوجوانان می‌شوند. در مطالعات داخلی نیز نشان داده شده که وجود والدین معتاد، بی‌توجهی هیجانی، تنبیه‌های بدنی یا روانی، نبود ارتباط مؤثر و ساختارهای خانواده تک‌والد همگی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بزهکاری نوجوانان شناخته می‌شوند. از سوی دیگر، بروز طلاق، مرگ والدین، یا فقر شدید عاطفی، علاوه بر ایجاد خلأ حمایتی نوجوان را به سمت جبران این کمبود از طریق پیوستن به گروه‌های بزهکار یا رفتارهای پرخطر سوق می‌دهد (Farrington, 2007, 139).

با بهره‌گیری از رهیافت ترکیبی جرم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌توان نشان داد که عملکرد خانواده نه صرفاً یک عامل زمینه‌ساز، بلکه عنصری تعیین‌بخش در چرخه بزهکاری است. به‌طور خاص، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که پیوندهای عاطفی، تعهد، مشارکت و باور را به‌عنوان عناصر بازدارنده از بزهکاری معرفی می‌کند در تحلیل نقش خانواده جایگاهی ویژه دارد (Hirschi, 1969, 18). نوجوانانی که فاقد این پیوندها هستند، اغلب فاقد مکانیسم‌های بازدارنده داخلی در برابر بزهکاری‌اند. در ایران، خلأ میان‌نهادی میان نظام حمایتی، آموزش و پرورش و نهاد قضایی در مواجهه با نوجوانان در معرض خطر به روشنی احساس می‌شود. در نبود سیاست‌های منسجم حمایتی و خدمات مددکاری گسترده، بسیاری از نوجوانان بزهکار پس از برخورد با نهادهای رسمی، نه تنها بازپروری نمی‌شوند بلکه در مسیر نهادینه‌سازی جرم نیز قرار می‌گیرند (UNICEF, 2019, 24).

۴- نقش گسست‌های عاطفی در خانواده در تکوین بزهکاری نوجوانان: پیوندی میان

روان‌رنجوری خانوادگی و کش‌های ضدا اجتماعی

یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل روان‌شناختی بزهکاری نوجوانان، «گسست عاطفی» درون خانواده است. گسست عاطفی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده به دلایل مختلف از جمله طرد، بی‌توجهی، خشونت، یا عدم درک متقابل دچار اختلال یا فروپاشی می‌شوند. در

چنین شرایطی، نوجوان نه تنها حمایت عاطفی دریافت نمی‌کند، بلکه در معرض سردی روانی، احساس ناامنی و بی‌پناهی قرار می‌گیرد. این گسست می‌تواند زمینه‌ساز بحران هویت، کاهش اعتماد به نفس و در نهایت جذب در گروه‌های منحرف یا ارتکاب بزه شود (Bowlby, 1980, 47).

از منظر نظریه دلبستگی جان بالبی، کودکانی که در سال‌های نخست زندگی فاقد دلبستگی ایمن به والدین خود هستند، در آینده دچار مشکلات عاطفی و رفتاری خواهند شد. این بی‌ثباتی روانی، احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی را در نوجوانان افزایش می‌دهد (Bowlby, 1988, 132). دلبستگی نایمن با سطوح بالای اضطراب، پرخاشگری و بی‌اعتمادی به دیگران همراه است؛ اموری که از ویژگی‌های بارز نوجوانان بزهکار به شمار می‌رود. از سوی دیگر، محیط خانواده اگر آکنده از تنش‌های پایدار، تعارض‌های حل‌نشده، خشونت خانگی، یا تبعیض در رفتار با فرزندان باشد می‌تواند بستر روانی بزهکاری را فراهم سازد. نوجوانی که دائماً شاهد درگیری والدین، تحقیر یا توهین باشد به تدریج این رفتارها را به‌عنوان الگوی حل تعارض درونی می‌پذیرد و در موقعیت‌های تنش‌زا به خشونت یا قانون‌گریزی روی می‌آورد (Farrington, 2010, 89).

نکته قابل تأمل دیگر، تأثیر تجربه «طرد اجتماعی» از درون خانواده بر رفتار نوجوانان است. بسیاری از نوجوانان بزهکار از سوی والدین یا خواهر و برادرها طرد شده‌اند یا مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. این طرد، خود را در قالب کاهش احساس ارزشمندی، ایجاد خشم فروخورده و تقویت میل به انتقام یا ابراز وجود به هر قیمت نشان می‌دهد (Sharma, 2020, 211). در چنین بستری، نوجوان ممکن است برای جبران کمبودهای عاطفی یا یافتن احساس تعلق، جذب گروه‌های همسال بزهکار یا گنگ‌های خیابانی شود؛ گروه‌هایی که به او هویت، حمایت و حتی احترام دروغین می‌دهند. این گروه‌ها اغلب بستر آموزش جرم را فراهم می‌کنند و از طریق فشار گروهی، نوجوان را درگیر کنش‌های مجرمانه می‌کنند (Siegel & Welsh, 2021, 152).

در جمع‌بندی این قسمت می‌توان گفت که خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری، اگر دچار اختلال عملکردی، فقدان ارتباط مؤثر، یا گسست عاطفی باشد نه تنها قادر به ایفای نقش محافظتی نیست، بلکه می‌تواند به کانونی برای تولید بزهکاری تبدیل شود. پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، بدون ترمیم روابط خانوادگی و بازسازی انسجام عاطفی درون خانه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

۵- تحلیل سیاست‌های پیشگیرانه با رویکرد خانواده‌محور و اجتماعی در کاهش بزهکاری نوجوانان

اول- بازنگری در سیاست‌های پیشگیرانه. در سال‌های اخیر، تمرکز صرف بر سیاست‌های واکنشی^۳ در مواجهه با بزهکاری نوجوانان، ناکارآمدی خود را نشان داده است. مطالعات تطبیقی در حوزه جرم‌شناسی مدرن نشان می‌دهد که کارآمدترین راهکار برای مقابله با بزهکاری، پیشگیری اجتماعی از جرم با محوریت خانواده و آموزش است (Cavadino & Dignan, 2006, 87). در این الگو، تمرکز از «مجازات پس از وقوع جرم» به «مداخله در مراحل آغازین انحراف» منتقل می‌شود.

دوم- تقویت سیاست‌های حمایتی خانواده‌محور. یکی از گام‌های اساسی در پیشگیری از بزهکاری، طراحی سیاست‌هایی است که بر توانمندسازی خانواده‌ها متمرکز باشد. این سیاست‌ها باید شامل موارد زیر باشند: الف- خدمات روان‌درمانی رایگان برای خانواده‌های پر تنش: فراهم‌سازی دسترسی به مشاوره‌های تخصصی خانوادگی، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند از فروپاشی عاطفی خانواده‌ها جلوگیری کند (Sharma, 2020, 176). ب- آموزش والدین در زمینه مهارت‌های فرزندپروری: آموزش سبک‌های مؤثر تربیتی، مدیریت خشم و ارتباط مؤثر با نوجوانان از طریق رسانه، مدارس و نهادهای اجتماعی باید نهادینه شود (Baumrind, 1991, 354). ج- حمایت اقتصادی از خانواده‌های در معرض آسیب: فقر اقتصادی یکی از زمینه‌سازهای اصلی گسست‌های خانوادگی و بی‌توجهی به فرزندان است. سیاست‌هایی چون یارانه‌های هدفمند، دسترسی به خدمات سلامت و تغذیه برای خانواده‌های در معرض بحران ضروری است (UNICEF, 2019, 33).

سوم- عدالت ترمیمی و بازپروری به جای مجازات. در سیاست‌های قضایی مربوط به بزهکاری نوجوانان، باید از رویکرد مجازات‌محور فاصله گرفت و به‌جای آن از عدالت ترمیمی^۴ بهره گرفت؛ الگویی که به‌جای تمرکز بر انتقام و تنبیه به بازسازی رابطه بزه‌دیده و بزهکار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوان توجه دارد (Braithwaite, 2002, 69). این رویکرد به‌ویژه زمانی مؤثر است که نوجوانان در نتیجه بحران‌های خانوادگی یا گسست‌های روانی مرتکب جرم شده‌اند و امکان بازگشت سالم آنان به جامعه هنوز وجود دارد.

۳- از جمله مجازات و اقدامات کیفری

چهارم- نقش آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی در پیشگیری. پیشگیری از بزهکاری نمی‌تواند صرفاً مسئولیت خانواده باشد. مدارس، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز فرهنگی نیز باید نقش فعالی ایفاء کنند. طرح‌هایی همچون آموزش مهارت‌های زندگی، تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تربیت هیجانی باید به بخشی از محتوای رسمی آموزشی در مدارس تبدیل شود (Siegel&Welsh,2021,215).

پنجم- راهکارهای ویژه برای ایران: در بستر خاص ایران، لازم است نهادهای حمایتی مانند بهزیستی، با همکاری آموزش و پرورش و قوه قضائیه سیستم یکپارچه‌ای برای شناسایی زود هنگام نوجوانان در معرض خطر ایجاد کنند؛ قوه مقننه با تصویب قوانینی حمایتی‌تر، از قبیل بازنگری در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و پیش‌بینی بودجه مشخص برای خدمات اجتماعی اقدام نماید؛ دادگاه‌های اطفال به مشاوران متخصص در روان‌شناسی کودک و مددکار اجتماعی مجهز شوند تا تصمیم‌گیری‌ها صرفاً قضایی و تنبیهی نباشد.

۶- تأثیر مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی در اصلاح رفتار نوجوانان بزهکار

اصلاح رفتار نوجوانان بزهکار نیازمند رویکردهای چندجانبه است که علاوه بر بعد کیفری، به ابعاد روانی و اجتماعی آنان نیز توجه کند. مداخلات روان‌شناختی، به‌ویژه درمان‌های شناختی-رفتاری^۵، نقش به‌سزایی در کاهش رفتارهای پرخطر و ارتقای مهارت‌های اجتماعی نوجوانان ایفاء می‌کنند (Lipsey,2009,112). این درمان‌ها با تمرکز بر تغییر الگوهای فکری نادرست، کنترل خشم و مهارت حل مسئله زمینه‌ساز اصلاح رفتار و بازگشت موفق به جامعه می‌شوند. از سوی دیگر، مداخلات اجتماعی شامل ایجاد فضاهای حمایتی، گروه‌های هم‌یار و برنامه‌های مهارت‌آموزی حرفه‌ای می‌توانند به کاهش انزوا و افزایش حس تعلق نوجوانان کمک کنند (Dishion&Dodge,2005,138). حضور در این گروه‌ها، باعث شکل‌گیری هویت مثبت و کاهش وابستگی به گروه‌های بزهکار می‌شود.

در ایران، به‌رغم وجود برخی مراکز اصلاح و تربیت، به دلیل کمبود منابع تخصصی و تمرکز بیشتر بر مجازات‌های سنتی، مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی هنوز به‌طور کامل در نظام اصلاح رفتار نوجوانان نهادینه نشده است. تقویت این بخش‌ها و آموزش تخصصی روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی می‌تواند

به‌طور مؤثری از بازگشت نوجوانان بزهکار به چرخه جرم جلوگیری نماید.

۷- تقویت نقش مدارس و نظام آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

مدارس به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی ساز در زندگی نوجوانان، نقش کلیدی در پیشگیری از بزهکاری دارند. آموزش‌های رسمی و غیررسمی در مدارس می‌توانند مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری و تاب‌آوری روانی را در نوجوانان تقویت کنند (Weissberg&Cascarino,2013,101). به‌کارگیری برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و هیجانی، به نوجوانان کمک می‌کنند تا رفتارهای ضداجتماعی و پرخطر را شناسایی و کنترل کنند. برنامه‌هایی مانند آموزش مدیریت خشم، حل تعارض و ارتقای خودکنترلی در مدارس اثربخشی بالایی در کاهش رفتارهای پرخطر و بزهکاری نشان داده‌اند (Durlak,2011,405). همچنین، ایجاد فضای مدرسه‌ای حمایت‌گر و بدون تبعیض زمینه‌ساز ارتقاء اعتماد به نفس و احساس تعلق در نوجوانان می‌شود که به نوبه خود ریسک بزهکاری را کاهش می‌دهد. در ایران، با وجود تلاش‌هایی برای گنجاندن مهارت‌های زندگی در برنامه درسی، همچنان خلأهای جدی در آموزش عملی و کارکردی این مهارت‌ها دیده می‌شود. بنابراین، نیازمند بازنگری در نظام آموزشی و سرمایه‌گذاری در آموزش‌های تخصصی معلمان و مشاوران مدارس هستیم تا بتوانند به‌طور مؤثر در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مشارکت کنند.

۸- نقش فناوری و رسانه‌های دیجیتال در پیشگیری و مقابله با بزهکاری نوجوانان

رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین، به‌رغم تهدیدات بالقوه‌ای که می‌توانند برای نوجوانان ایجاد کنند، ظرفیت‌های بالقوه‌ای هم برای پیشگیری از بزهکاری دارند. استفاده هوشمندانه از فضای مجازی می‌تواند به آموزش مهارت‌های اجتماعی، ارائه مشاوره‌های روانی و ایجاد شبکه‌های حمایتی مؤثر کمک کند (Livingstone&Smith,2014,38). پلتفرم‌های آموزشی آنلاین، اپلیکیشن‌های مدیریت رفتار و برنامه‌های تلویزیونی تعاملی به نوجوانان امکان می‌دهند تا با آگاهی بیشتری نسبت به پیامدهای رفتارهای بزهکارانه تصمیم‌گیری کنند. همچنین، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای شناسایی زود هنگام نوجوانان در معرض خطر و اتصال آن‌ها به خدمات حمایتی عمل کنند (Huang,2018,45).
 با این حال، در ایران هنوز بهره‌گیری سیستماتیک و هدفمند از فناوری‌های دیجیتال در سیاست‌های

پیشگیرانه جایگاه کافی ندارد و نیازمند طراحی برنامه‌های تخصصی با همکاری نهادهای فرهنگی، آموزشی و قضایی هستیم تا این ظرفیت‌ها به صورت عملی و کارآمد به کار گرفته شوند.

نتیجه

بزهکاری نوجوانان، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که عوامل خانوادگی، روانی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش اساسی دارند. تحلیل داده‌های جرم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهند که مقابله مؤثر با این پدیده نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه‌ای است که ابعاد مختلف زندگی نوجوانان و محیط پیرامون آن‌ها را مدنظر قرار دهد.

اولاً، رویکردهای خانواده‌محور به عنوان نخستین خط دفاعی، اهمیت ویژه‌ای دارند. توانمندسازی خانواده‌ها از طریق آموزش مهارت‌های فرزندپروری، حمایت‌های روانی و اقتصادی می‌تواند بسیاری از عوامل زمینه‌ساز بزهکاری را از ریشه کاهش دهد. این سیاست‌ها، با بهبود فضای خانوادگی و ایجاد روابط سالم بین والدین و نوجوانان، زمینه رشد فردی و اجتماعی نوجوانان را فراهم می‌کنند. ثانیاً، مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی، به ویژه درمان‌های شناختی-رفتاری و برنامه‌های مهارت‌آموزی گروهی اصلاح و بازپروری نوجوانان بزهکار را تسهیل می‌کنند و از بازگشت آنان به چرخه جرم جلوگیری می‌نمایند. در این زمینه، نهادهای سازنده مداخلات در سیستم‌های اصلاح و تربیت و بهره‌گیری از مددکاران و روان‌شناسان متخصص ضرورت دارد. ثالثاً، مدارس و نظام آموزشی با فراهم کردن آموزش‌های مهارت‌های زندگی، تقویت مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و ایجاد فضای حمایت‌گر نقش مهمی در پیشگیری از بزهکاری دارند. بازنگری در برنامه‌های آموزشی و تربیتی به منظور افزایش کارآمدی این نقش، می‌تواند از ایجاد رفتارهای پرخطر در نوجوانان پیشگیری نماید. رابعاً، فناوری و رسانه‌های دیجیتال، به عنوان ابزاری نوین و فراگیر، ظرفیت بالایی برای آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد شبکه‌های حمایتی مؤثر دارند. بهره‌گیری هدفمند و علمی از این فناوری‌ها، به ویژه در جامعه جوان و پرجمعیت ایران، می‌تواند کمک شایانی به کاهش بزهکاری نوجوانان کنند.

در نهایت، برای تحقق این اهداف، همکاری میان‌بخشی نهادهای قضایی، آموزشی، بهزیستی، فرهنگی و رسانه‌ای ضروری است. ایجاد سیاست‌های حمایتی جامع و عملیاتی با بودجه‌های مشخص و

پیگیری مستمر، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش چشمگیر بزهکاری نوجوانان و ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی آنان شود. این رویکرد چندجانبه، همسو با تجارب موفق بین‌المللی و مقتضیات بومی ایران مسیر روشنی را برای آینده نوجوانان و جامعه فراهم می‌آورد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۴۰۲، **حقوق جزای اختصاصی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

لاتین

- Andrews, Donald Arthur, Bonta, James, 2016, The psychology of criminal conduct (6th ed.) , Routledge.
- Baumrind, Diana, 1991, Parenting styles and adolescent development. San Francisco: Jossey-Bass.
- Baumrind, Diana, 1991, The influence of parenting style on adolescent competence and substance use, Journal of Early Adolescence, vol.11, No.1.
- Bowlby, John, 1980, Attachment and loss, Loss. Basic Books.
- Bowlby, John, 1988, A Secure Base: Parent-Child Attachment and Healthy Human Development, Basic Books.
- Braithwaite, John, 2002, Restorative Justice and Responsive Regulation, Oxford University Press.
- Cavadino, Mick, Dignan, James, 2006, Penal Systems: A Comparative Approach. Sage.
- Dishion, Thomas J, Dodge, Kenneth A, 2005. Peer contagion in interventions for children and adolescents: Moving toward an understanding of the ecology and dynamics of change, Journal of Abnormal Child Psychology, vol.33, No.3.
- Durlak, Joseph A, et al, 2011, The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions, Child Development, vol.82, No.1.
- Farrington, David P, 2007, Developmental and life-course criminology. In The Oxford Handbook of Criminology, Oxford University Press.
- Farrington, David P, 2007, Child and adolescent development of offending and antisocial behavior. In M. Maguire et al. (Eds.) , The Oxford handbook of criminology,

- Oxford University Press.
- Farrington, David, 2010, Family influences on delinquency, In Juvenile Delinquency and Justice Trends, Springer.
 - Hirschi, Travis, 1969, Causes of Delinquency. University of California Press.
 - Howell, James C, 2009, Preventing and Reducing Juvenile Delinquency: A Comprehensive Framework, SAGE Publications.
 - Huang, G, Li, J, Wang, Q, 2018, Digital interventions for adolescent behavior: Opportunities and challenges, Journal of Adolescent Health, vol.62, No.1.
 - Lipsey, Mark W, 2009, The primary factors that characterize effective interventions with juvenile offenders: A meta-analytic overview, Victims and Offenders, vol.4, No.2.
 - Livingstone, Sonia, Smith, Peter K, 2014, Annual Research Review: Harms experienced by child users of online and mobile technologies: the nature, prevalence and management of sexual and aggressive risks in the digital age, Journal of Child Psychology and Psychiatry, vol.55, No.6.
 - Mears, Daniel P., Travis, Jeremy, 2004, Youth development and reentry, Youth Violence and Juvenile Justice, vol.2, No.1.
 - Sharma, R, 2020, Family Dynamics and Juvenile Delinquency, New Delhi: Academic Publications.
 - Siegel, Larry J, Joseph J. Senna, Welsh, Brandon, 2021, Juvenile Delinquency: Theory, Practice, and Law (13th ed.) , Cengage Learning.
 - UNICEF, 2019, Child Protection Strategy.
 - UNODC, 2013, Preventing youth crime: Enhancing youth resilience through social protection.
 - Weissberg, Roger P, Cascarino, Jason, 2013, Academic learning + social-emotional learning = national priority, The Phi Delta Kappan, vol.95, No.2.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaiean, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhræi, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibolah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri